



Investigating the functions, methods and benefits of ropes in *Naftha al-Masdur*

Zeinab Ghasemi^{1*} | Hossein Ghorbanpour Arani² | Majid Ghasemi Fasarani³

1. Corresponding Author, Ph.D. student in Persian language and literature, Kashan University, Kashan, Iran. E-mail: ghasemi5598@grad.kashanu.ac.ir
2. Associate Professor in Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. E-mail: ghorbanpoor@kashanu.ac.ir
3. Ph.D. student in Persian language and literature, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: ghasemionline@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 28 February 2024

Received in revised form:
13 June 2024

Accepted: 22 June 2024

Keywords:

Protest,
proximity,
Technical and artificial
prose,
Nafthaal-Masdur Zeydari.

ABSTRACT

Naftha al-Masdur is one of the technical texts and artefacts of the 7th century of Hijri and one of the finest works of Persian prose in this period. This work is one of the highest texts in rhetorical, literary and even historical terms. Among the features of prose in this book are the repetition of synonyms, repetitions, protest and prayer sentences, the adaptation and abundance of Arabic words, etc. The word "rope" appears very frequently in this work. The reader's lack of familiarity with ropes and their types confuses the reader in understanding the text of this book. This essay has dealt with the different types of atnaab in *Naftha al-Masdur*: protest, types of filling, prayer phrases, badal, cursing, explanation after ambiguity, lhal, repetition, subordination, etc. In this essay, based on library research and the descriptive-analytical method, the methods of rope in Zaydari' speech will be examined and finally it will be concluded that although *Naftha Al-Masdur* is a small work in size, the author has expressed few meanings in many sentences for literary and rhetorical reasons to describe, praise and satirise by using the methods of rope, and many Arabic and Persian references and creative word arts such as versification, puns, balance, etc. also incorporating them into the rope container with all dexterity.

Cite this article: Ghasemi, Z., Ghorbanpour Arani, H., Ghasemi Fasarani, M. (2025). Investigating the functions, methods and benefits of ropes in *Naftha al-Masdur*. *Research of Literary Texts in Iraqi Career*, 5 (4), 81-100.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: <https://doi.org/10.22126/ltip.2024.10374.1242>



Extended Abstract

Introduction:

Naftha al-Masdur is one of the technical texts and artefacts of the 7th century Hijri and one of the finest works of Persian prose in this period. Technical prose is based on the ornamentation and arrangement of words. This type of text tends to use verbal and intellectual techniques such as harmony, puns, contrasts, etc. Attention to verses and hadiths, Arabic poems, Persian and Arabic proverbs and judgments are also among the other features of this type of work. *Naftha al-Masdur* is one of the highest texts in terms of rhetorical, literary and even historical aspects. Among the features of the prose of this book are the repetition of synonyms, repetitions, protest and prayer sentences, the adaptation and abundance of Arabic words, etc. The word "rope" appears very frequently in this work. If the reader is not familiar with ropes and their types, he will find it difficult to understand the text of this book.

Materials and Methods:

This study was conducted using a theoretical and librarian research method and aims to investigate the methods of ropes in the Zaydari language using a descriptive-analytical method. The scope of the study is mainly *Naftha al-Masdur* Zaydari, of course, to express the methods and types of ropes, attention was also paid to related rhetorical and literary books.

Results and Discussion:

This paper has dealt with the different types of tau in *Naftha al-Masdur*: Protest, incantation types, prayer phrases, appositive, curse, explanation after ambiguity, ighal, repetition, subordination, special mention after general and...

Then, in this speech, the benefits of ropes in Naftah al-Masdoor, including; emphasis is useful for exaggeration, synonyms are useful, praise is useful, etc.

Among the benefits of protest, we can mention the usefulness of adapting Quranic verses in speech, the usefulness of Arabic poems and proverbs, the usefulness of description, etc.

Conclusion:

This speech finally concludes that *Naftha al-Masdur* is indeed a small work; however, for literary and rhetorical reasons, the author has expressed few meanings in many sentences to describe, praise and satirize by using the methods of rope, and many Arabic and Persian quotations and creative word arts such as harmonious, puns, balance, etc. also flow into the rope pot with all skill.



بررسی کارکردها، شگردها و فواید اطناب در نفثه المصطور

زینب قاسمی*^۱ | حسین قربان پور آرائی^۲ | مجید قاسمی فسارانی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: ghasemi5598@grad.kashanu.ac.ir

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: ghorbanpoor@kashanu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: ghasemionline@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نفثه المصطور از متون فنی و مصنوع قرن هفتم هجری و یکی از زیباترین آثار نشر فارسی در این دوره است. این اثر از جنبه‌های بلاغی، ادبی و حتی تاریخی در زمره یکی از والاترین متون قرار می‌گیرد. از ویژگی‌های نثر این کتاب می‌توان به تکرار مترادفات، حشو، جملات معترضه و دعایی، اقتباس و فراوانی لغات عربی و... اشاره نمود. در این اثر «اطناب» بسامد بسیاری دارد. عدم آشنایی خواننده با اطناب و انواع آن، خواننده را در فهم متن این کتاب دچار سردرگمی می‌کند. این جستار به گونه‌های مختلف اطناب در نفثه المصطور پرداخته‌است: اعتراض، انواع حشو، جملات دعایی، بدل، نفرین، ایضاح بعد از ابهام، ایغال، تکرار، تذیل، ذکر خاص پس از عام و... در این جستار بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا شگردهای اطناب در کلام زیدری را مورد بررسی قرار دهد و در نهایت بدان می‌رسد که اگرچه نفثه المصطور اثر کم حجمی است، ولی نویسنده به دلایل ادبی و بلاغی، معانی اندک را در جملات بسیار بیان نموده‌است تا با به کارگیری شیوه‌های اطناب به توصیف‌ها، مدح و هجوها بپردازد و بسیاری از استشهدات عربی و فارسی و صنایع لفظی و بدیعی چون سجع، جناس، موازنه و... را نیز با مهارت تمام در ظرف اطناب بگنجاند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

واژه‌های کلیدی:

نثر فنی و مصنوع،

نفثه المصطور،

اطناب،

اعتراض،

زیدری.

استناد: قاسمی، زینب؛ قربان پور آرائی، حسین؛ قاسمی فسارانی، مجید (۱۴۰۳). بررسی کارکردها، شگردها و فواید اطناب در نفثه المصطور.

پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی، ۵ (۴)، ۸۱-۱۰۰.

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان.



DOI: <https://doi.org/10.22126/ltp.2024.10374.1242>

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

نقشه‌المصدر کتابی خواندنی از محمد زیدری نسوی در شرح پایان کار جلال‌الدین خوارزمشاه است. این کتاب خطاب به یکی از بزرگان آن روزگار نوشته شده است. وقتی سخن از *نقشه‌المصدر* است، خواه ناخواه نثر فنی و مصنوع به ذهن می‌رسد. در قرن ششم و هفتم تقریباً نثر فنی و مصنوع به جای ساده‌نویسی نشست. اطناب از آشناترین مباحث نثر فنی است. برخلاف نثر مرسل که در این نوع متون جایگاهی ندارد. در اطناب برای بسیاری از معانی و مفاهیم کم، لغات و الفاظ بسیار به کار می‌رود. آنچه بیش از همه در متن *نقشه‌المصدر* به چشم می‌آید، جملات معترضه و تطویل کلام است که گاه بین نهاد جمله تا فعل دو یا سه خط فاصله افکنده است و به همین دلیل گاه کلام، دشوار و مبهم شده است. سیروس شمیسا دو عامل را سبب اطناب در نثرهای مصنوع می‌داند: اول، حرص و طمع نگارنده به آوردن احادیث و آیات و شعرهای عربی و فارسی برای آراستن کلام و دوم، به کارگیری سجع، موازنه و... که این خود به اطناب در کلام می‌انجامد. (رک: شمیسا، ۱۳۷۷: ۱۴۲) در متن مصنوع *نقشه‌المصدر* اگر حجاب الفاظ و زینت‌هایی چون سجع، موازنه، احادیث و امثال را کنار بزنیم، نویسنده‌ای دردمند را درمی‌یابیم که سخن او داستان‌گونه‌ای از مصائب و دشواری‌هاست.

با توجه به اینکه *نقشه‌المصدر* اثر منثوری است که از جهت ادبی، هنری و بلاغی در جایگاه والایی قرار دارد، هر پژوهشی که بدین منظور نوشته شود و به واکاوی عناصر هنری و بلاغی آن بپردازد، ارزشمند خواهد بود. اهمیت بحث و پژوهش این جستار آشکارتر می‌گردد. به جاست که شگردهای نگارش اثر زیدری که در نثر ترسل و فن انشا از برگزیدگان زمان بوده است، بیش از این، مورد پژوهش قرار گیرد و شگردها و فواید اطناب که بنای جملات رساله *نقشه‌المصدر* بر آن است، به جز اصول بیان شده در کتب بلاغی از دیدی نو، در این جستار مورد بررسی و توجه قرار گیرد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

برای پیشینه پژوهش می‌توان به مواردی مشابه اشاره نمود؛ از جمله مقاله «اسهاب و اطناب در دو نثر روایی *نقشه‌المصدر* و دره نادره» از میترا قاطع که در اسفند (۱۳۹۹) چهارمین همایش بین‌المللی پذیرفته شده است. مؤلف با بیان مثال‌هایی موجز به مقایسه دو اثر از لحاظ اطناب پرداخته است، ولی در جستار کنونی نویسندگان بر آنند تا انواع و اقسام شگردها و فواید اطناب را به تطویل و تخصیص، نه در

قیاس با دیگری، صرفاً در نثر زیدری بیان نمایند. در این گفتار انواع شیوه‌های اطناب با توجه به کتب بلاغی و با نگاهی تازه مورد توجه قرار گرفته‌است.

«بررسی توصیف، نقش و انواع آن در *نقشه‌المصدر*» از سیده محدثه میرجعفری و محمدعلی خزانه دارلو از جمله پژوهش‌های پیشین است که در تاریخ هفده الی نوزده شهریور (۱۳۹۵) یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی مورد پذیرش قرار گرفته است. مؤلف به اهمیت توصیف و تصویرپردازی‌ها و انواع توصیف‌های ادبی، هنری، علمی و... در *نقشه‌المصدر* اشاره نموده‌است.

گفتار دیگر، مقاله‌ای علمی از نشریه نثر پژوهی ادب فارسی است که «کارکرد جملات معترضه عربی در *نقشه‌المصدر*» نام‌گذاری شده‌است و در پاییز و زمستان (۱۳۹۸) به چاپ رسیده‌است، نویسندگان سید احمد پارسا و خدیجه محمدی با روش توصیفی و تحلیلی به بیان و بررسی جملات معترضه عربی در این اثر پرداخته‌اند.

پژوهش‌های پیشین بسیاری وجود دارد که مجال تحلیل آن‌ها در این مقال نیست، ولی به‌طور کل، پژوهش پیش رو، بر آن است تا به‌طور مستقل به کارکردها، فواید و شگردهای اطناب در نثر زیدری با توجه به کتب بلاغی و هنری پردازد. ضمن اینکه روش تحقیق در این مقاله به‌صورت کیفی است و با نگرشی تازه به شگردهای خاص اطناب پرداخته است. مسئله محوری پژوهش چنین است که کارکردها و فواید اطناب، در *نقشه‌المصدر* را بررسی کند و بتواند بدین ایده برسد.

۲. بحث

اطناب در لغت به معنی به درازا کشیدن عبارت و لفظ است، برخلاف ایجاز (دهخدا، ذیل اطناب) ولی در اصطلاح هرگاه نویسنده یا شاعر برای معانی کم، الفاظ بسیاری به کار گیرد، الفاظی که چندان نیز بدان نیازی نباشد، آن را اطناب می‌گویند و یا سخنی که از مقتضای حال و مقام بیشتر باشد. (رک: همای، ۱۳۷۵: ۱۹۳) اگر اطناب و درازگویی همراه با عناصر زیباشناسانه ادبی باشد و سخن زیباتر و جذاب‌تر نماید این گونه اطناب پسندیده و نیکوست و گرنه اطناب ملال‌آور و خسته‌کننده خواهد بود. برخی، اطناب را در تقابل با ایجاز قرار می‌دهند اطناب و پرگویی‌های نویسنده در زبان عادی شایسته نیست، ولی در زبان ادبی، نویسنده الفاظ و جملاتی زاید بر معنا می‌آورد. «و هو التَّعْبِيرُ عَنِ الْمَعْنَى بِالْكَلَامِ الْكَثَرِ» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۵۲) و از این عمل اهدافی مشخص در پی دارد.

ایجاز نیز در اکثر کتب بلاغی به معنی بیان کردن معانی کامل با حداقل الفاظ و کلمات آمده است. به دیگر سخن، هرگاه نویسنده بتواند معانی بسیار در لفظ اندک بیان کند و هرگاه سخنی کوتاه تر از حال و مقامی باشد که متکلم در آن حال و مقام بیان می کند، ایجاز است. (رک: همایی، ۱۳۷۵: ۱۹۵) ایجاز در علم معانی به انواع مختلف تقسیم می گردد که از مبحث ما خارج است.

آنچه کتب بلاغی، مابین اطناب و ایجاز قرار داده اند، مساوات است. پس گاه لفظ با معنی برابر است که بدان مساوات می گویند یا کمتر که ایجاز است یا بیشتر که اطناب است. (رک: همان: ۱۹۶) هرگاه پرهیز از آوردن الفاظ حشو و زاید سبب روشنی کلام شود، در این صورت، مساوات جنبه بلاغی و زیباشناختی به خود می گیرد، ولی نثر فنی که بارزترین ویژگی آن اطناب است، نویسنده در نثر فنی، کوتاه ترین راه را برای معنی، انتخاب نمی کند، او درواقع خواننده را از راهی طولانی با خودش همراه می کند تا بتواند در این راه او را با منظره های زیبا و دلنشین بسیاری آشنا کند... پس در نثر فنی، بر خلاف نثر مرسل، شیوه سخن اطناب است. (خطیبی، ۱۳۹۸: ۵۷-۵۸) جلال الدین همایی مقوله اطناب و ایجاز را بسیار مهم می داند و آن را پایه و اساس بلاغت می داند، می توان گفت اگر همه بلاغت نباشد دست کم یکی از رکن ها و پایه های اساسی بلاغت شمرده می شود. (رک: همایی، ۱۳۷۵: ۱۳۱)

در کتب بلاغی اکثر مثال های اطناب به زبان عربی است، ما در این گفتار برآنیم تا نمونه های اطناب از زبان نفثة المصطور را بیان کنیم که نه تنها عباراتی شیرین از زبان فارسی است، بلکه شگردهای اطناب و به درازا کشیدن کلام در گفتار زیدری را آشکارتر و مفاهیم را برای ما ساده تر می نماید. به جز تقسیم بندی های کلیشه ای که در کتب بلاغی بیان شده است از منظری نو به مواردی از اطناب چون صنایع بدیعی و بیانی و فواید اطالة کلام (چون توصیف، مدح و...) نیز در سخن زیدری، اشاره می گردد.

اطناب در کتب بلاغی معمولاً به چند دسته تقسیم می شود که عبارت اند از: ۱- اعتراض ۲- التفات ۳- ایغال ۴- تذیل ۵- تتمیم ۶- تکمیل ۷- ایضاح بعد از ابهام ۸- ذکر خاص پس از عام ۹- ذکر عام پس از خاص ۱۰- تکرار ۱۱- برخی توشیح را نیز بدان افزوده اند.

در اکثر کتب بلاغی با همین شیوه تقسیم بندی، شرح ها و مثال ها ذکر شده است و به صنایع بدیعی و بیانی، توصیفات، حال درونی نویسنده و... که در آفرینش اطناب نقش بسزایی دارد، اشاره ای نشده است. در این جستار، نگارنده ضمن توجه به کتب بلاغی سنتی و ذکر مثال هایی شیرین از نثر این کتاب، نگاهی تازه نیز به شیوه ها و شگردهای خاص اطناب در نفثة المصطور دارد که وی چگونه «اُطناب اطناب باز کشیدی» (زیدری، ۱۳۹۹: ۶۳).

۲-۱. اعتراض

اعتراض همان جمله‌ معترضه‌ای است که در بین کلام ذکر شود و بدان نیازی نیست به گونه‌ای که اگر حذف شود باز مفهوم، کامل است. همایی در این باره چنین می‌نگارد: «آن است که در اثنای بیت یا قرینه‌ نثر، جمله‌ معترضه یا کلمات زاید بیاورند که در معنی بدان احتیاجی نباشد. (همایی، ۱۳۷۵: ۲۳۱) برخی از کتب بلاغی، اعتراض را گونه‌ای صنعت بدیعی دانسته‌اند و ابن معتر آن را از محاسن کلام می‌داند. (ابن معتر، ۱۳۹۹: ۵۹) اعتراض در هر صورت چه از دیدگاه صنعت ادبی و چه مبحث معانی، در هر تعریف به قول کزازی «میان آورد» است. (کزازی، ۱۳۷۳: ۲۷۰) که در *نقشه‌المصداور* به چندین نوع حشو ملیح و متوسط و قبیح تقسیم می‌شود:

۲-۱-۱. حشو ملیح

در حشو ملیح و لطیف با شیوه‌ای باریک، مطالبی در متن گنجانده می‌شود که به زیبایی اثر می‌افزاید می‌توان حشو ملیح را گونه‌ای هنر ادبی به شمار آورد. حشو ملیح «آن چنان باشد که لفظی آورده شود که با وجود آن که مقصود بدان محتاج نباشد در عذوبت لفظ و رونق معنی بیفزاید و شعر را کسوت لطافتی و خلعت ظرافتی بپوشاند و سخن را زینتی و زیبایی دیگر دهد و این را حشو لطیف گویند» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۱۶) حشو ملیح را در *نقشه‌المصداور* می‌توان به چند دسته‌ دعایی، غیردعایی، نفرین و بدل تقسیم کرد:

۲-۱-۱-۱. جملات دعایی

در جملات دعایی نوعی حشو زیبا و دلنشین نهفته است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را نوعی زینت و آرایه‌ ادبی شمرد. در بسیاری از این جملات با زبان عربی و فارسی، دعایی کوتاه و زیبا بیان می‌گردد. از آن روز باز که به عراق وداع نجم‌الدین احمد سرهنک، قَرَّنه الله بالسَّعاده و بَلَغه الاراده، کرده‌ای و روی به درگاه نهاده. (همان: ۹)

- و الوف محنت، صفوف قلب را که بدو تمشیت کار توان کرد بر این جمله -حاشا المولی- برهم

نشکسته (همان: ۱۲)

همچنین صفحات ۱۱، ۷۷، ۹۶، ۵۳، ۱۱۶، ۶۳، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۶۲، ۶۷ و...

۲-۱-۱-۲. جملات غیر دعایی

نامی از این نوع حشو در کتب بلاغی نیست، ولی جملات عذب و شیرینی در *نفثة المصداور* یافت می‌گردد که ذکر آن خالی از لطف نیست. این جملات نه مفهوم دعا را می‌رساند، نه نفرین و نه بدل، بلکه جملاتی کوتاه و دلشین هستند که بر آرایش کلام زیدری افزوده‌اند. ظاهراً این نوع حشو، از شگردهای ویژه اطناب در *نفثة المصداور* است. گاه این نوع جملات حشوگونه آمیخته با شکوه و شکایت است و گاه بیان حال و احوال وی، مانند:

- شبی در آنجا - چنانکه آید نه چنانکه باید - روز گذرانید. (همان: ۱۰۲)

- از آن زحمت آشیان رختی - که نداشتیم - برداشتیم. (همان: ۱۰۳)

- تقریر کردن سرگذشت‌هایی که از پایم درآورده - حقا که اگر سنگ کشد بگدازد - بحبل عنکبوت بر افلاک رفتنت. (همان: ۱۰۹)

همچنین صفحات ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۱۹ و...

۲-۱-۱-۳. بدل

این نوع حشو به‌وفور در نثر وی یافت می‌شود. اگرچه بدل‌ها قابل حذف‌اند؛ ولی زیدری به شیوه‌ای متنوع و با دیدی تازه چنان سخن را گسترده و مفصل و زیبا ساخته که کمتر کسی به حذف آن می‌اندیشد. از جمله اغراض بدل در نثر وی می‌توان به مفاهیم اغراق و بزرگداشت اشخاص، اشاره نمود؛ مانند:

- آفریدگار عزو علا، بواسطه ملوک عظام، پادشاه کرام، خداوندان مصر و شام، انصاف اهل اسلام از او بستد. (همان: ۶۸)

همچنین صفحات ۱۱۶، ۱۲۶، ۸۵، ۶۷، ۴۵، ۲۱، ۷۰، ۲۵، ۷۰، ۷۵، ۲۶، ۷۶، ۸۶، ۱۰۸، ۱۱۵ و...

۲-۱-۱-۴. نفرین

گونه‌ای دعای وارون است که به جای خواستن خیر و نیکی، خلاف آن طلب می‌گردد. این گونه دعای ناپسند، گاه برای خود و گاه برای دیگران در *نفثة المصداور* دیده می‌شود. زمانی که از روزگار به ستوه آمده‌است و به حکم سرزنش، به خود نهیب می‌زند که دلیل آمدن چه بود که الهی پایم شکسته گردد. (رک: همان ۶۲) نفرین بر خود است و گاه این نفرین با نگرشی شاعرانه و زیباشناسانه بر دیگران است. چون: *سُدَّتْ دَوْنَهُ ابوابُ السَّعَادَةِ*، (خدا درهای سعادت را بر وی ببندد) (همان: ۶۶) یا *سَخِمَ اللَّهُ وَجْهَهُ* (خدا رویش را سیاه گرداناد) (همان: ۶۰)

و صفحات ۱۲، ۶۵ و...

هرچند نفرین بر خود یا دیگران از نظر اخلاقی برای ما پسندیده نمی‌نماید از منظر اطالۀ کلام و شگردهای ویژه زیدری در بسط سخن، زیبا و هنرمندانه و قابل توجه است.

۲-۱-۲. حشو متوسط

وجود این نوع حشو نه‌چندان به زیبایی کلام می‌افزاید و نه وجود آن از زیبایی کلام می‌کاهد. «و چنان باشد که ایراد آن لفظ و عدم ایراد آن متساوی باشد یعنی اگر در رونق شعر نیفزاید باری موجب عیب و طعن سخن نگردد.» (کزازی، ۱۳۶۹: ۱۱۷) اگرچه پس از این خواهیم گفت که جملاتی حشوگونه در نثر وی، نبودنشان کلام را زیباتر می‌نماید، ولی در کل آنچه از جملات معترضه نثر او می‌خوانیم خوشایند است. جلال‌الدین همایی حشو متوسط را الغاء می‌نامد و ایغال را مترادف حشو ملیح می‌داند (رک: همایی، ۱۳۷۵: ۳۳۵) یکی از خصایص نثر زیدری بسط و گسترش کلام است که در این راه از طرق و شیوه‌های گوناگون برای خلق نثری زیبا بهره‌برده‌است. تنوع در انواع جملات معترضه و خلق جملاتی که برخاسته از حس و حال عاطفی و ذهنی نویسنده یا برخاسته از نگرش اندیشمندانه او به اوضاع دگرگون است؛ نثر او را سرشار از دامنه وسیع کلمات ساخته‌است، حشو متوسط نیز شگردی دیگر در توالی و پیوستگی معناست که رشید وطواط معتقد است به کلام زیبایی و رونق می‌بخشد و بدان حشو لوزینج می‌گوید. (رک: رشید وطواط، ۱۳۶۲: ۵۴)

– آفتاب بود که جهان تاریک را روشن کرد، سپس بغروب محجوب شد. (زیدری، ۱۳۹۹: ۴۷)

– دشمنایگی – که نبود – از سر آغاز گیرد. (همان: ۵۸)

همچنین صفحات ۱۱۹، ۸، ۱۲۱، ۱۱۷ و ...

۲-۱-۳. حشو قبیح

این گونه حشو، سبب زشتی و نامتناسب بودن کلام است، ولی این جملات نیز در متن زیدری یافت می‌شود. «این صنعت چنان باشد که آوردن لفظ زاید بس بی‌جایگه بود.» (رشید وطواط، ۱۳۶۲: ۵۴) گاه زیدری مترادفی زشت‌گونه برای کلمه‌ای می‌آورد که همان معنا را پیش از آن رسانده‌است و بسیار ناساز و ناخوشایند است اگر به‌عنوان مثال «تخم مرغ کبوتر» بگوییم نه‌تنها نازیباست، بلکه سبب استهزا و ریشخند واقع می‌شویم. شمیسا از دو حشو ایغال و الغا نام می‌برد که از نظر هنری و زیباشناسی اهمیتی ندارند، وی به حشو متوسط ایغال و به حشو قبیح، نیز الغا می‌گوید. (رک: شمیسا ۱۳۷۶: ۹۴) در مثال زیر دوار به معنای سرگیجه همراه با سر آمده است که سرگیجه سر بسی ناخوشایند است:

- از دوائر دور شدید بدوارالرأس مبتلی شده، بر سلامت صدر ملامت واجب داشته است. (همان: ۵)
و یا در عبارت «گریان در گردن» حشو قبیحی وجود دارد که همه می‌دانند یقه مخصوص گردن است نه عضوی دیگر از بدن.

- بر طرفی پالهنک چون زه گریان در گردن جمعی بیکسان و غریبان و از جانبی... (زیدری، ۱۳۹۹: ۵۲)

و در عبارت زیر «جمع کثیر» حشوی ناپسند دارد؛ زیرا که خود واژه جمع، انبوهی از افراد را می‌رساند و مفهوم کثرت در واژه جمع نهفته است و نیازی به آوردن واژه کثیر نبوده است.

- بعد از اجتماع جم غفیر و انضمام جمع کثیر روی سوی دیار شام نهادند. (همان: ۲۷)

- مهر چون ورق بزرجمهر از مطلع شرقی برتافت. (همان: ۴۲)

در عبارت «مطلع شرقی» نیز مطلع بر اساس فرهنگ‌ها به معنی مشرق، محل برآمدن خورشید است و همراه نمودن آن با شرق، ناساز و ناخوشایند است. عبارت مغرب غربی و مطلع شرقی می‌تواند حشو قبیح باشد.

همچنین صفحات ۴۳، ۸۴، ۹۶ و...

۲-۲. ایضاح بعد از ابهام

در اکثر کتب بلاغی تعریفی شبیه بدین دارد که جمله ایست که پس از ابهام، توضیحی بیان می‌کند؛ و معمولاً در *نقته المصداق* با «یعنی» توضیح و تفسیر شده و رفع ابهام نموده است. برخی، توشیح را گونه‌ای از ایضاح بعد از ابهام می‌دانند این گونه ابهام در کلام سبب زیبایی و دلنشینی کلام می‌گردد. گویا نویسنده می‌خواهد لذت درگیری ذهن را به خواننده بچشاند و سپس مطلبی آشکار را بدو بنوشاند. این شیوه نیز یکی از شگردهای اطناب در نثر زیدری است. در آیین بلاغت آمده است: «مطلبی را که به دو صورت بیان نمایند به‌طوری که اول مجمل و سپس مبین باشد بیشتر در نفس رسوخ می‌نماید و هرگاه بحثی به‌صورت مبهم بیان شود و شنونده حیران گردد و بعد به‌صورت روشن آورده شود برای شنونده و طالب آن بحث، لذیذتر است تا ابتدا به‌صورت آشکار و واضح بیان شده باشد.» (امین شیرازی: ۲۱۵) در عبارت «قاطع ارحام حیات» زیدری، ذهن خواننده را در دچار سردرگمی شیرینی می‌نماید تا بدین شیوه با شرح این ابهام کلام خویش را بگسترده و سپس با عبارت یعنی سیف آن را روشن و مبرهن می‌سازد:

- تا قاطع ارحام حیات یعنی سیف، در کار آمده، صلت رحم بکلی مدروس شده. (زیدری، ۱۳۹۹: ۲)

- از این صدرنشین دلگیری، یعنی اندوه، حکایت شکایت آمیز فروخوانم، باز گفته‌ام که... (همان: ۳)

– فی الجمله نسیم صبای قبول از مهب اقبال این پادشاه یعنی مرسل الیه، برحال من پریشان حال وزید (همان: ۳۱)

۲-۳. ایغال

برخی، ایغال را منحصر به شعر و در قافیه می‌دانند، ولی عده‌ای دیگر، ذکر کرده‌اند که می‌تواند در شعر و نثر بیاید و مفهوم جمله قبل را تأیید و تأکید کند؛ و گاه آن جمله می‌تواند مشهور و حالت ضرب‌المثل داشته باشد. «ایغال در لغت به معنی دور شدن است از باب «أَوَعَلَ فِي الْبِلَادِ» (عرفان، ۱۳۷۵: ۵۱۹) ایغال را در اصطلاح چنین می‌گویند که نویسنده یا شاعر مفهومی را بیان می‌کند که از کامل شدن و تمام شدن مستقل است و در پایان عبارت یا لفظی می‌آورد که مفهوم با آن کامل‌تر می‌شود به گونه‌ای که بر معنی سابق تأکید می‌کند و در تکمیل کلام مقدم می‌آید. (رک: کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۱۲) زیدری با بیان عبارتی، بهشت را در سایه جنگ و شمشیر می‌داند، «شجرة شمشیر که بهشت در سایه اوست» و سپس بلافاصله برای کامل نمودن سخن خویش از عبارت «الجنة تحت ظلال السيوف» استفاده نموده‌است. (زیدری، ۱۳۹۹: ۱) درحالی‌که کلام بدون آن نیز تمام بود، ولی زیدری از این نمونه شگردها نیز جهت اطناب و گسترده‌گی کلام خویش بهره برده‌است. همچنین صفحات ۱۵، ۲۷، ۱۶ و...

۲-۴. تکرار

تکرارها یکی از شگردهای اطناب در نثر زیدری است که غالباً برای تأکیدند، البته غیر از این نیز اغراض دیگر می‌تواند داشته باشد. در کتب بلاغی به تکرار صرفاً در لفظ و کلام پرداخته‌اند، ولی ما در *نفثة المصطور* شاهد تکرار در مفاهیم نیز هستیم. گاه تکرارها چه در لفظ و چه در مفاهیم برای تأکیدند «گاهی اطناب بوسیله تکرار است، ولی تکرار باید دارای نکته‌ای باشد تا تطویل نشود و این نکته بیشتر تأکید است» (امین شیرازی: ۲۱۸). تکرارها عبارت‌اند از:

۲-۴-۱. تکرار در لفظ

– از کنار تا به کنار، یک به یک، یکباره و دوباره سَعْدِيَهُمْ مَوْتِينَ بمبالغت مطابقت واجب داشت. (زیدری، ۱۳۹۹: ۱۰)

– از کنار تا کنار، یک به یک را بازجست، چون هیچ نیافتند بر اینکه... (همان: ۶۶)

– ترسان ترسان، پرسان پرسان احوال او بوده‌ام. بامید انتعاش و ارتیاش، کوچ بر کوچ برصوب شام می‌راند. (همان: ۳۰)

همچنین صفحات ۳۴، ۴۷، ۶۳ و...

۲-۴-۲. تکرار در مفاهیم

گاه مفهومی در نثر وی می‌آید، سپس همان معنا با الفاظی نو تکرار می‌شود. مثلاً ارزشمند نبودن هر سنگ در بدخشان را با عبارت «هر نی که بتواند در مصر رشد کند نیشکر نیست»، تکرار نموده‌است. (رک: همان، ۱۵) غالباً تکرارها برای جایگیر شدن معنا در ذهن خواننده و بیشتر جهت تأکید آمده‌است.

– در کمین فرصت خزیده، کمان قصد تا گوش کشیده (همان: ۱۳)

– به کدام مشتاق شداید فراق می‌نویسی؟ و به کدام مشفق قصه اشتیاق می‌گویی؟ (همان: ۵)

مراجعة شود به:

صفحات ۹، ۱۲، ۲۸، ۱۵، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۶۱، ۱۱، ۲۳، ۱۷، ۷۳، ۸۲، ۸۴، ۹۷، ۸۴، ۱۱، ۱۸، ۷.

۲-۵. تذیل

مبحث تذیل در کتب ادبی از مباحثی است که بین ادبا با تعاریف گوناگون بیان شده است. «و اما بالتذیل و هو تعقیب الجملة بجملة أخرى تشتمل علی معناها» (عرفان، ۱۳۷۵: ۵۲۲) شمیسا تذیل را با مترادفات در کلام یکسان می‌داند. جلال‌الدین کزازی آن را «پی آورد» می‌نامد و تعریف او براساس کتب قدماست. «آن است که جمله‌ای را در پی جمله‌ای دیگر بیاورند به گونه‌ای که در معنی دنباله جمله نخستین شمرده شود و آن را استوار بدارد» (کزازی، ۱۳۷۳: ۲۷۰) در کتب قدما گاهی تذیل در معنی گسترده و مترادف با اطناب آمده است، ولی به‌طور کل از فواید تذیل، تأکید و تأیید را برشمرده‌اند.

مجازات حق خدمت و معرفت... باصطناع و انعام و تطف و اکرام واجب داشت. (زیدری، ۱۳۹۹: ۷۰)

– شهمات بساط اعانت و اغاثت درنوشته، مذاق طعم وفاق و نفاق از هم بازشناخت. (همان: ۵)

– پادشاه و ارکان دولت و دوستان و یاران و اتباع و متعلقان می‌گریست. (همان: ۳۴)

– انواع بندگی و افکندگی و تواضع و تخشع که از آن، ظاهر بین برصفای نیت در ولای عبودیت

استدلال کند. (همان: ۵۹)

– اتفاقات موافق که نتیجه سعادات تواند بود، والدوله اتفاقات حسنه. (همان: ۳۸)

همچنین صفحات ۱۳، ۶-۱۴، ۶۹، ۳۰، ۳۰، ۲۲، ۲۷ و ...

۲-۶. ذکر خاص پس از عام

یکی دیگر از شیوه‌های اطناب زیدری، سخنی عام بیان می‌کند و سپس آن را به صورت خاص شرح و تفسیر می‌دهد. در مثال زیر عبارت جان و جهان را آورده که از آن سیر گشته است سپس به صورت خاص آن را شرح داده است و منظور از این کلمه عام، به شکل خاص بیان شده است یعنی از خوردن و خوابیدن و از غذا و از شراب و غیره. این شیوه نیز یکی از شیوه‌های اطناب کلام زیدری است.

– چنان از جان و جهان ...سیر گشته که خورد و خواب و طعام و شراب... (همان: ۵۷)

– بر سیل یزک، چهار هزارسوار، از مردان کار و گردان نیزه گذار، روانه گردانیده و ... (همان: ۳۷)

– رسولان حضرت و صادر و وارد را در آن مدت، رغبه او رهبه رطب السان داشته بود. (همان: ۵۹)

نمی‌توان اطناب را به مواردی که در کتب بلاغی بیان شده محدود نمود، آیین بلاغت نیز ایجاز و اطناب را نسبی و اضافی می‌داند. (امین شیرازی: ۲۳۱) برخی نویسندگان بزرگ کتب بلاغی، اطناب را با صنایع بدیعی پیوند داده‌اند. نویسنده گاه قلم می‌راند تا سجعی بیافریند یا ضرب‌المثل عربی یا فارسی در متن بگنجاند و گاه شعری را در خاطر دارد و می‌خواهد در کلمات ثقیل متن جای دهد تا قدری شیرین‌تر و لطیف‌تر گردد تا خالی از حسن نباشد. پس اطناب با صنایع بدیعی همراه و همگام است، از آنجا که کلام بدون آن معنا و مفهوم را رسانده است. «زبان ادبی اصیل، خلاق است. خلاقیت به این معنی است که بتوانیم جملات بلاغی تازه‌ای بیافرینیم و این امر در گرو نگرش‌های نوین است.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۰۵)

در اینجا به بررسی فایده‌های برخی انواع اطناب می‌پردازیم. در *نقشه‌المصدر* اگر نتوان همه انواع اطناب مذکور در کتب بلاغی را یافت، به جرأت می‌توان گفت کمتر صفحه‌ای را می‌توان خالی از اطناب و به‌ویژه اعتراض دانست. پس با توجه به اهمیت اطناب در زیباآفرینی‌ها، تضمین‌ها و ... به‌طور ویژه به فواید اطناب و اعتراض در *نقشه‌المصدر* می‌پردازیم.

۳. فایده اطناب در *نقشه‌المصدر*

در *نقشه‌المصدر*، انتخاب هر چه بیشتر لفظ، برای مفهوم و معنایی تکراری است جهت آراستگی کلام. نویسنده از اطناب کلام، اهدافی چون بسط، تأکید، توضیح و تفسیر، تجانس و تقارن، اقتباس و تضمین و ... را دنبال می‌کند. در اینجا به بررسی برخی از این اغراض می‌پردازیم که نویسنده آرایش کلام و ظواهر را بر معانی ترجیح داده است. گاه تکرار و تسلسل معانی را هر بار با لفظی مشاهده می‌نماییم و

گاه مفهوم نثر را با معانی شعری به هم پیوسته است. طول جملات، ظرف عظیمی است که بتواند مناسبات لفظی، قرینه سازی ها و صنایع بدیعی را در خود بگنجاند. میرجلال الدین کزازی از اطناب به نام «فراخی در سخن» یاد می کند: «فراخی در سخن به شیوه های هنری فزون از آنچه در قلمرو زبان بایسته است، سخن را در گسترند و اندیشه ای یگانه را به شیوه هایی گوناگون پیروند و باز نمایند و هر آنچه را می سزد درباره آن گسترده و درازدامن در سخن بیاورند. «فراخی سخن» اگر به بیهودگی و هرزه درایی نینجامد و مایه دل خستگی و بیزاری سخن نگردد ارزش هنری بسیار می تواند داشت و گویا و گواه پندار دامن گستر اندیشه دورپرواز و نگاه خیره و کاونده سخنور به جهان و انسان می تواند بود» (کزازی، ۱۳۷۳: ۲۶۳-۲۶۴).

۳-۱. اطناب مفید تأکید برای اغراق و مبالغه

جملات پی در پی گاه برای بیان بزرگی و عظمت چیزی بیان شده است. در مثال زیر نه تنها با تکرار، مفهومی تأکید شده، بلکه شدت غم و تنهایی و بی کسی را نیز بیان نموده است.

- بکتایی و ساده دلی سرزنش کرده که: بکدام مشتاق شداید فراق می نویسی؟ و به کدام مشفق قصه اشتیاق می گویی؟ اگر چه خون چون غصه بحلق آمده است. (همان: ۵)

در صفحه چهار برای بیان سرگذشت پر از غم و اندوه خویش چندین سطر با اغراق این غم و اندوه بی پایان را با اطناب بیان می کند: سرگذشتی که کوه تحمل آن را ندارد و دودش چهره خورشید را تیره و تاریک می کند و آسمان و زمین از این سخن شکافته می شود و کوه ها منهدم می گردد. بسیاری از جملات اطناب گونه نفثه، برای بیان غم و اندوه بی پایان زیدری از روزگار نامساعد و هجوم و ویرانگری قوم مغول است که چه سختی هایی را پس این واقعه متحمل گشته است. این جملات غم انگیز و درد آلود گاه چندین سطر به تفصیل به اطناب کشیده می شود. باز در همان صفحه با اغراق شرح حال نویسنده و شکوه او را از روزگار می خوانیم که چگونه از بخت افتان و خیزان هرگز نتوانسته کام مراد شیرین کند و همواره به وی شربت ناخوش نوشانده و هزاران تیر مصائب بر جگر او رسانیده، غمی که استخوان های او را درهم پیچیده و جان او را به لب رسانیده است و به راستی چگونه می تواند یک دل این همه غم داشته باشد؟ و از سرگذشت خویش می نالد که حتی کوه پای مقاسات ندارد و بسیاری نمونه ها:

این گونه اطناب‌ها، اغراق و مبالغه را بیشتر و مشهودتر می‌نماید.

همچنین صفحات ۲۵، ۵، ۳۷ و...

۲-۳. اطناب مفید مترادفات

در نثر فنی نفثة المصداور که بر مبنای الفاظ است، کثرت الفاظ در کنار معانی اندک سبب اطناب گشته است. تصنع و تکلف و عبارت‌پردازی‌ها و آرایش کلام با مترادفات از مختصات سبکی اوست. چه بسا برای لفظی، چندین مترادف جهت اطالۀ کلام آورده می‌شود.

– پادشاه و ارکان دولت و دوستان و یاران و اتباع و متعلقان می‌گریست. (همان: ۳۴)

همچنین صفحات ۱۳-۶، ۱۴، ۷۰، ۶۹، ۵۹، ۲۷، ۷۲، ۷۷، ۸۵، ۷۳ و...

۳-۳. اطناب مفید هجو

کلماتی هجو گونه همراه با شگرد اطناب در متن نفثة المصداور دیده می‌شود و از صفحه شصت کتاب تا انتها این عبارات بیشتر می‌گردد. گویا زیدری خشم و نفرت خویش را نگاه‌داشته و در نهایت فوران نموده‌است.

– احمد ارموی، آن گاو ریش خر طبع که به همه وجه رشته به دست او داده بودند و... دیگر سهل قیاد سست شلوار، بوقا غلام بغدی که در آن فترت از فتور دیگران خویشان را امیر کرده بود... (همان: ۸۵)

همچنین صفحات ۷۷-۷۸، ۷۹، ۸۵ و ...

۴-۳. اطناب مفید مدح و بزرگداشت

این گونه جملات در ابتدای اثر بیشتر به چشم می‌خورد. بی‌شک از رسوم روزگار نویسنده، مدح و ستایش بزرگان بوده و ایشان نیز به شیوة اطناب گونه دریغ نورزیده‌است.

– خداوند، صدر معظم، سعدالدوله و الدین، اختیار الملوک و السلاطین، ملک اکابر العصر، قدوه صدور اشرق، ادام الله علوه، و زاد الی مراقی العز نموه، در ضمان اقبال و کنف سعادتست (همان: ۸)

همچنین صفحات ۱۱۵، ۱۱۶، ۵۸، ۴۴ و ...

۵-۳. اطناب مفید وصف و تصویرسازی

نثر نفثة المصداور زمانی که با توصیف درمی‌آمیزد، شعرگونه می‌گردد و با سبکی زیباتر و فنی‌تر انشا می‌شود. اطالۀ کلام در توصیف یک مطلب گاه برای ابراز هنرمندی، گاه غلیان احساسات درونی و...

است که به توصیفات فرعی روی می آورد؛ و نویسنده تاریخ‌نگار به لطف تخیل، اطناب، مبالغه و اغراق و... رشته یک معنی را در چندین عبارت به تصویر می کشد. در برخی توصیفات از طبیعت و محیط پیرامون بهره برده است؛ ولی توصیفات زیدری گاهی از سر جگرسوزی و توصیفات درونی است و گاه توصیفات طبیعت و گاه اشخاص و صحنه‌ها و وقایع. آنچه آشکار است بیان توصیفات جز از طریق اطناب امکان‌پذیر نیست. اگر اطناب، سبک ویژه *نثر نفثه المصنوع* نبود، هیچ توصیف و تصویرسازی انجام نمی‌گرفت و نثر او جز نثر خشک و تاریخی نبود؛ زیرا وی با ظرف اطناب نه تنها توصیفات و تصویرسازی‌ها را نمودار ساخته است، بلکه بسیاری از صناعات بدیعی و لفظی که سبب شیرینی کلام شده است، در همین ظرف بزرگ ریخته است.

- چون سپیده سپید کار چادر قیری از روی جهان در کشید، اسنه شعاع کرته نیلوفری ظلام بردرید... همچنین صفحات ۴۱، ۸۶، ۹۹، ۶، ۱۰۱، ۵۷، ۸۰-۸۱، ۱۱۱، ۸۲، ۹۴، ۲۶، ۴۳، ۴۲، ۵۷ و ...

۳-۶. اطناب مفید صنایع بدیعی و بیانی

گاه اطالۀ کلام جهت خلق صنایع لفظی و بدیعی بوده است. گویا نویسنده مفهومی را در یک جمله می‌توانسته بیان نماید، ولی برای زیباسازی کلام و نزدیک نمودن هر چه بیشتر زبان خود به زبان فنی معاصران خویش به زیبایی‌های لفظی چون سجع و جناس و موازنه و ترصیع و تضمین‌المزدوج توجه بلیغ نموده است و اطناب جملات بدین منظور واضح و مبرهن است. به‌طوری‌که خواننده گاه به‌خاطر پرداختن به لفظ، از معنا غافل می‌گردد. در مقدمۀ یزدگردی آمده است: ولع و آزمندی نویسنده در سجع سبب شده که گاهی تا سه سجع را هم به کار برد و حتی گاه تا چهار سجع. (یزدگردی، ۱۳۹۹: ۲۳) البته بهار درباره نثر *نفثه المصنوع* معتقد است که: «اسجاع بارد و پیایی ندارد و در مراعات صنایع بدیعی نیز خودداری ننموده است و در مراعات نظیر و جمع بین اضداد و گاهی تجنیس، قلم را جولانی می‌داده است.» (بهار، ۱۳۷۶: ۹۲۶) در هر صورت اطالۀ کلام در نثر زیدری در بسیاری موارد به‌دلیل استفاده مکرر سجع، موازنه و جناس است. در عبارت: کام از کام نهنگ برنتوان آورد. (همان: ۱۵) این گونه بازی‌های زیبا با کلمات، نگرش خواننده را در پس تکرار ظاهری کلام به معنایی شیرین می‌رساند و یا عبارت عظام (بزرگان) را عظام (استخوان‌ها) لگدکوب نموده و یا رؤوس (سروران) را رؤوس (سرها) پای‌کوب نموده (همان: ۲) و مثال‌های چنین بیشتر جهت تزیین و تکلفات لفظی است.

نه تنها سجع، بلکه انواع جناس‌ها و مراعات‌النظیرها و ترصیع و موازنه‌ها و... جز برای اطناب و لفظ‌پردازی نیست.

- عظام را عظام لگدکوب شده، یمانی در قراب رقاب جایگیر آمده، حناجر با خناجر الف گرفته (همان: ۲)

همچنین صفحات ۱۶، ۱۸، ۳۳، ۲۰، ۳۲، ۲۱، ۳۳، ۸، ۱۳، ۱۵، ۳۳ و...

از جمله صنایع بدیعی دیگر تضاد و تقابل است که زیدری ولع بسیار در چیدن کلمات متضاد در نثر خویش داشته است و این گونه، سخن خویش را گسترش داده است.

- در گرم و سرد و خیر و شر موافقت و مساعدت او نموده (همان: ۵۳)

- پری چهرگان ماه‌پیکر و بتان خرگاه‌نشین را بدیوان سیاه‌روی و عفاریت زشت‌منظر رها کرد. (همان: ۴۳)

همچنین صفحات ۱۸، ۱۰۴، ۴۷، ۳۶ و...

۴. فواید اعتراض در *نقشه‌المصدر*

گاه جملاتی معترضه در *نقشه‌المصدر* می‌بینیم که برای اغراض گوناگون بیان شده‌اند. این گونه جملات بیشتر جهت تضمین، توضیح و تبیین و خلق صناعات ادبی به کار می‌روند و گاه امثال و شواهد شعری عربی است که جهت تکلف کلام و هماهنگ‌سازی با سبک هم‌عصران خویش، بدان پرداخته است. البته گاه جملات فارسی معترضه نیز در کلام وی با اغراضی چون توصیف یا تفسیر و دلیل‌آوری و... به چشم می‌خورد.

۴-۱. اعتراض مفید اقتباس آیات قرآنی در کلام

زیدری در جای‌جای *نقشه‌المصدر* خویش به گنجاندن آیات و احادیث پرداخته است و همچنان که از متن او درمی‌یابیم به زبان تازی مسلط بوده است. در سطوری اشاره می‌کند که با چنین اقبالی سبب رهایی او و یارانش از دست اکراد گشته است. وی از به‌کاربردن آیات و احادیث در تأکید و تکمیل و تطویل جملات خویش بهره برده است. سراسر متن او مشحون از جملات معترضه از آیات قرآنی است. در *تهذیب‌البلاغه* دربارهٔ اعتراض آمده است: «و هو الاتیان بِجُمْلَةٍ لَمْ يَحُلْهَا مِنَ الْأَعْرَابِ فِي أَثْنَاءِ الْكَلَامِ

لِدَاعِ بَلَاغِي» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۵۲)

– کشتی شکسته بسته وجود را بجودی «سآوی إلى جبل يُعصّني من الماء» جای داده و «الحمد لله رب العالمین»... (همان: ۵۲)

– عقود منظوم و نقود مختوم علی العموم «فجعلناها حصيداً كأن لم تُغن بالأمس» بگذاشت. (همان: ۴۳)
همچنین صفحات ۳۱، ۳۹، ۸۱، ۸۴، ۸۳، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۴، ۵۲ و...

۲-۲. اعتراض مفید تضمین اشعار و امثال و عبارات عربی

به کار بردن اشعار و امثال عربی، یکی از مختصات سبک نثر فنی *نقشه المصدور* به شمار می آید. اگر آغاز این شیوه را از کلیله و دمنه در قرن ششم بدانیم، پس در عصر زیدری باید این شیوه به اوج رسیده باشد. نویسندگان گاهی برای مفاخره و تازی دانی این عبارات را به کار می بردند، البته اقتضای زمانه و سبک شخصی نویسنده و بسیاری عوامل دیگر، سبب شده است تا زیدری نیز از این جریان برکنار نماند. سراسر متن او پر است از اشعار و امثال و عبارات های کوتاه و بلند عربی که سخن را به اطناب می کشاند.

– خود بعرض ریزه ای که داشت – ولادُرْ دُرْ الاعراض – از ری راه سمنان گرفت و تا بیابانک باخبرم که رسیده است. (همان: ۱۰)

– و سه روزه کوهپایه میان آمد و ماردین،

ملاعبُ جنة لو سارَ فيها سليمانُ، لساَرَ بترجمان بیک روز زیر قدم آورد (همان: ۶۵)

– بدین صفت ترسان و هراسان، ده دوازده روز راه را «قَطَعَ الْكَوَاكِبَ حَنْدَسُ الظُّلَمَاءِ»، قطع می کردم. (همان: ۶۹)

همچنین صفحات ۴۵، ۴۳، ۶۳، ۷۴، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۱۴ و...

۳-۴. اعتراض مفید دلیل آوری

گاهی زیدری جملات را با اطناب می گشاید و به شرح و دلیل می پردازد تا مطلبی را توضیح و تفسیر دهد و گاه همین شرح و اطناب با جملات معترضه به دلیل به کار بردن برخی جملات عربی بر دشواری کلام وی افزوده است.

– و از پس مانده تاتار چون موی از خمیر بیرون آورده بعلت استخدام المنيّه و لالديّه، مدت سه ماه پای بند توکیل و توقیف داشت. (همان: ۶۳)

صفحات ۶۷، ۶۳، ۶۶ و...

۴-۴. اعتراض مفید توصیف

زیدری در افزون ساختن و اطالۀ کلام از هر کوششی دریغ نورزیده‌است. در این نوع جملات معترضه هنرنمایی‌های زیدری جهت بسط کلام آشکار است. کلامی و در پی آن توصیفی جهت اطالۀ آن. البته ذکر این نوع توصیفات نه برای رفع پوشیدگی کلام، بلکه با هدف زیباآفرینی و خلق سخنی نو و تازه است. این گونه توصیفات بر زیبایی و شیرینی کلام وی افزوده‌اند.

- آن خصال که خاک در چشم آب حیات زدی، کی تغیر گرفته‌است. (همان: ۱۲۳)

- این آستان را که علی‌الحقیقه آشیان امانست... مأوای خود ساخته (همان: ۱۱۶)

صفحات ۱۲۵، ۴۸، ۳۲ و...

۴-۵. اعتراض مفید شرح و توضیح

جملات بسیاری در متن یافت می‌شود که جملات معترضه برای شرح و تفسیر کلام می‌آید. جملاتی که «در میانه سخن بیاورند، به گونه‌ای که ستردن آن هیچ گزندگی به سخن در نزد و آن را رسانایی و روشنی بدور ندارد.» (کزازی، ۱۳۷۳: ۲۷۵). جملات معترضه مفید شرح و تفسیر در متن بسیار به چشم می‌خورد و گاه از ابتدای سخن تا انتها، جملاتی بسیار آمده است، به گونه‌ای که سر و ته سخن ناپیداست.

- خود را پیاده و پای‌کشان با مغاری چون حال محنت‌زده و حوصله‌بخیل، تنگ و تاریک انداخت.

همچنین صفحات ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۷۱، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۶۵، ۷، ۷۰، ۳۴ و...

هنر نویسندگی زیدری در ساخت جملات بلند و طولانی و تو در توست، این علاوه بر دشواری متن به زیبایی آن افزوده است. کلامی که سراسر شعر عربی و فارسی را آمیخته باشد و در بینابین کلام خود امثال و جملات عذب بیاورد نه تنها این اطناب خسته‌کننده نیست، بلکه گاه خواننده را همراه خود تا پایان جمله تا سه چهار سطر بعد می‌کشانند و چنین بر دلپذیری نثر می‌افزاید. گاه مفهومی را در یک جمله بیان داشته است و سپس در چند جمله به توصیف آن از روی اطناب پرداخته است. گاه از مضامین شعری بهره جسته است و گاه از هجو و گاه از وصف. گاه امثال فارسی را چاشنی نموده و گاه جملاتی را خود، مثل‌واره ساخته است؛ زیرا می‌داند در متن خود چه باید بنویسد یا بهتر بگوییم چه بپرورد که خردمند از زمینی که در او تخم خرزهره ریخته، نیشکر درو نکند، متنی که با غم و درد

فراوان لیل و نهار متأکد شده و ترجمان سرایر است، بسیار زیبا و عذب بیان گشته است. وی گاهی به خود نهیب می‌زند که دم فرو خور که مهربانی نیست که دل‌پردازی کند، ولی باز قصه غصه‌آمیز خود را به بسط می‌کشانند و از *نقشه‌المصنوع* که مهجوری بدان راحتی تواند یافت چاره‌ای نمی‌بیند. به هر حال در متن زیدری آیه، شعر، مثل، شواهد و سجع خوش نشسته است.

اطناب در *نقشه‌المصنوع* چون دیگ طعامی است که توایل گوناگون چون سجع، امثال عربی و فارسی، اشعار و شواهد، سجع و مترادفات، تکریرها و... طعم خوشی بدان افزوده است و به قول زیدری حلوی صابونی ساخته است. اطناب و تطویل کلام در این متن برای مقاصد گوناگون به کار رفته است که فواید و اغراض آن ذکر گردید.

۵. نتیجه‌گیری

نثر *نقشه‌المصنوع* از آثار مهم در نثر مصنوع است و اطناب یکی از بنیان‌های اساسی در نثر زیدری است. در اثر نه‌چندان قطور او معانی در جملات طولانی بسط یافته است. او با بهره‌بردن از ظرف اطناب، بسیاری از توصیف‌ها، هجوها، مدح‌ها و بسیاری از صنایع لفظی و بدیعی چون سجع، موازنه، جناس و... را برای انشای کلام به کار برده است. بدین وسیله قدرت و مهارت نویسنده در متن آشکارتر گردیده است. بسیاری از شواهد شعری فارسی و عربی و امثال را با زیبایی و لطافت در شعر خویش گسترده است. سبک منحصر به فرد و بررسی و شناخت اطناب برای بیان مفاهیم، لذت خواننده را دوچندان نموده است. اگر از شگرد اطناب بهره نمی‌برد، نه تنها نمی‌توانست تجربیات حسی و درونی خود را به درستی به رشته کلام بکشاند، بلکه اثر او به درجه هنری و بلاغی و ادبی نیز ارتقا نمی‌یافت.

زیدری از انواع اطناب چون اعتراض، ایغال، تذیل، تکریر و... در متن خویش بهره برده است و با گسترش و اطناب جملات، مهارت نویسندگی خود را نمایان نموده است. از بین انواع اطناب، اعتراض جایگاه گسترده‌تری در متن وی دارد و فایده‌های اطناب و اعتراض در متن وی سبب به کارگیری انواع صنایع بدیعی و لفظی شده است و از سوی دیگر سبب بسط و گسترش جملات به منظور توصیف، هجو، مدح و غیره گردیده است.

زیدری با اقتباس از آیات و احادیث در جایگاه جملات معترضه به نثر خود تجلی و روشنی بخشیده است و با تضمین اشعار فارسی و عربی، لطافت و شیرینی به متن خویش ارزانی داشته، به همین سبب نثر تاریخی و ادبی ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن معتر (۱۳۹۹). البدیع. چاپ دوم، بغداد: مکتبه المثنی.
- امین شیرازی، احمد (بی تا). آیین بلاغت. جلد دوم (شرح مختصر المعانی). بهار، محمد تقی (۱۳۷۶). سبک شناسی. جلد سوم، چاپ نهم، تهران: مجید.
- حسینی، سید علی (۱۳۸۸). ترجمه و توضیح تهذیب البلاغه. چاپ سوم، قم: دارالعلم.
- خطیبی، حسین (۱۳۹۸). فن نثر در ادب فارسی. چاپ ششم، تهران: زوار.
- رشید و طواط (۱۳۶۲). حدائق السحر. تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.
- زیدری نسوانی، شهاب الدین محمد (۱۳۹۹). نفثة المصداور. تصحیح امیرحسین یزدگردی، چاپ ششم، تهران: طوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۷). سبک شناسی نثر، چاپ دوم، تهران: میترا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). کلیات سبک شناسی. چاپ سوم، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶). نگاهی تازه به بدیع. چاپ نهم، تهران: فردوس.
- عرفان، حسن (۱۳۷۵). کرانه ها (شرح مختصر المعانی). جلد دوم، قم: هجرت.
- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۳). معانی ۲ (زیباشناسی سخن پارسی). چاپ سوم، تهران: سعدی.
- واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین (۱۳۶۹). بدایع الافکار فی صناعة الاشعار، ویراسته میرجلال الدین کزازی، تهران: معراج.
- همایی، جلال الدین (۱۳۷۵). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ دوازدهم، تهران: هما.
- همایی، جلال الدین (۱۳۷۰). معانی و بیان. به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.

References

The Holy Quran

- Amin Shirazi, A. (no date). *Ayin Balaghat* (brief description of meanings), second volume
- Bahar, M. T. (1997). *stylistics*, third volume, 9th edition, Tehran: Majid
- Erfan, H. (1996). *Karaneha* (brief description of meanings), Qom: Hijrat, second volume
- Homaie, J. (1996). *Rhetoric Techniques and Literary Industries*, 12th edition, Tehran: Homa.
- Hosseini, S. A. (2009). *Translation and explanation of Tahzib al-Balagha*, third edition, Qom: Darul Alam.
- Ibn Mu'taz. (1979). *al-Badi'i*, second edition, Baghdad: Maktaba al-Mathna,
- Khatibi, H. (2018). *The Art of Prose in Persian Literature*, 6th Edition, Tehran: Zavvar
- Kazzazi, M. (1994). *Ma'ani 2* (Aesthetics of Persian speech), third edition, Tehran: Saadi
- Rashid Vatvat. (1983). *Hadaeq al-Sehr*, corrected by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Tahuri and Sanaei Library.

- Shamisa, S. (1998). *Prose stylistics*, second edition, Tehran: Mitra Publishing
- Shamisa, S. (1997). *A new look at the novel*, 9th edition, Tehran: Ferdows
- Shamisa, S. (1995). *Generalities of stylistics*, third edition, Tehran: Ferdows
- Vaez Kashefi Sabzevari, M. H. (1990). *Badaei al-Afkar fi senaa al-Ashār*, edited by Mirjalaluddin Kazzazi, Tehran: Me'raj
- Vaez Kashefi Sabzevari, M. H. (1991). *Ma'ani and Bayan*, by Mahdokht Bano Homaei, Tehran: Homa
- Zaydari Naswani, Sh. M. (2019). *Naftha al-Masdoor*, corrected by Amir Hossein Yazdgerdi, 6th edition, Tehran: Tous.